

فصلنامه علمی - تخصصی فرهنگ پژوهش

شماره ۲۷، پاییز ۱۳۹۵، ویژه علوم سیاسی

بررسی مقایسه‌ای دولت مطلوب

در اندیشه آیت الله نائینی و امام خمینی (ره)

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۴/۱۹

تاریخ تأیید: ۹۵/۰۶/۲۱

حمیدرضا اسدی*

چکیده

تشکیل دولت و حکومت از ضرورت‌های اولیه زندگی سیاسی و اجتماعی بشر بوده و ادیان الهی به خصوص اسلام به آن توجه داشته و علماء و اندیشمندان اسلامی در شکل و نوع دولت‌ها دارای نظر بودند. مقاله حاضر در صدد بیان دیدگاه دولت مطلوب آیت الله نائینی و امام خمینی و مقایسه این دو می‌باشد.

دولت مطلوب آرمانی هر دو اندیشمند، حکومت معصوم علیه السلام و دولت مطلوب مقدر آیت الله نائینی «دولت مشروطه» و دولت مطلوب مقدر امام خمینی «جمهوری اسلامی» است. برای شناخت بهتر دولت مطلوب مورد نظر این دو اندیشمند، ساختار و کارکرد یا کارویژه آن مورد بررسی قرار می‌گیرند.

در این مقاله بر این نکته تأکید خواهد شد که دولت مطلوب مورد نظر این دو اندیشمند با توجه به مقتضیات زمانی و مکانی هم در بخش ساختار و هم کارکرد دارای اشتراکات و افتراقاتی هستند.

واژه‌های کلیدی: دولت، دولت مشروطه، دولت جمهوری اسلامی.

* کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام.

مقدمه

تشکیل دولت از ضرورت‌های اولیه زندگی سیاسی و اجتماعی بشر بوده و ادیان الهی به خصوص اسلام بر این باور است که دین از سیاست جدا نیست و می‌تواند اصول عملی تئوریک خاصی در زمینه تشکیل دولت، ارائه دهد. پس از رحلت پیامبر ﷺ و بخصوص در زمان غیبت امام معصوم علیه السلام، اشکال مختلفی از حکومت بر مردم را شاهد هستیم که در زمان‌های متعددی نیز اندیشمندان اسلامی در شکل و نوع دولت‌ها صاحب نظر بودند که از جمله آن‌ها در سده اخیر آیت الله نائینی و امام خمینی (ره) بودند.

در سیر تاریخ تحول دولت در ایران، دو اتفاق مهم رخ داد که سرانجام بساط نظام پادشاهی را برچید. این دو حادثه مهم در سیر مقتضیات زمان، مکمل یکدیگر بوده و از «مشروطیت» آغاز و به «انقلاب اسلامی» ختم گردید. هر چند در شکل‌گیری آن دو، علماء، اندیشمندان و شخصیت‌های مهمی تأثیرگذار بودند لکن اولی با نام آیت الله نائینی و دومی با نام امام خمینی عجین شده است. شناخت وجوه اشتراک و افتراق دولتهای مطلوب آرمانی و مقدور این دو اندیشمند از اهمیت فراوانی برخوردار هستند.

تعریف مفاهیم

دولت

در این تحقیق مراد از دولت، علاوه بر قوه مجریه کشور و هیات وزیران، که وظیفه اجرای قانون را بر عهده دارد، سایر قوای موجود در قدرت سیاسی، نظیر قوه مقننه، قوه قضائیه و قوای نظامی و انتظامی را نیز شامل می‌شود. در واقع دولت و حکومت در این

معنای، هیات حاکمه است که مجموعه سازمان‌ها و نهادهای موجود در قدرت سیاسی حاکم بر جامعه را در بر می‌گیرد.

دولت مشروطه

دولتی است که قدرت پادشاه از سوی قانون اساسی، محدود شده است و پادشاه بر طبق قوانین تصویب شده حکومت می‌کند نه مطابق میل و دلخواه خود. این نظام دارای پارلمان (مجلس) بوده و قوا تفکیک شده‌اند.

جمهوری اسلامی

این نوع حکومت را می‌توان مبتنی بر دو اصل مکتب اسلام و انتخاب اکثریت قریب به اتفاق ملت و مردم دانست کلمه «جمهوری» شکل حکومت که مردم انتخاب کرده‌اند و کلمه «اسلامی» محتوا و قوانین و مقررات حکومت را بیانگر است.

دولت مطلوب مقدر در اندیشه آیت الله نائینی

آیت الله نائینی با فرض فقدان حکومت معصوم و عدم توانایی فقیه عادل برای اداره امور و جهت جلوگیری از استبداد، به دولت مشروطه به عنوان دولت مطلوب مقدر که چاره‌ای در زمان خودش غیر از آن نمی‌بیند، نظر دارد. دولت پیشنهادی حکومت اسلامی مطلوب نیست؛ لذا نائینی آن را حکومت قدر مقدر یا قدر قوه می‌نامد که در شرایط خاص انقلاب مشروطه، بهتر از حکومت پادشاهی خودکامه قاجاریه می‌باشد.

دولت مطلوب مقدر در اندیشه امام خمینی (ره)

در اندیشه امام خمینی علیه السلام آنچه اهمیت دارد نوع و محتوا و ماهیت حکومت و دولت اسلامی است نه شکل آن فلذا طبق نظرات ایشان حکومت دینی مطلوب، لزوماً شکل واحدی در طول تاریخ ندارد بلکه موکول به مقتضیات و شرایط زمانی و مکانی است.

عنوان کلی و اولیه‌ای که امام خمینی در مورد دولت و حکومت مطلوب به کار می‌برد، حکومت اسلامی است. منظور از اسلامی بودن این است که به موازین و قوانین الهی و دینی اسلام بنا شده باشد.

توضیح اجمالی آن که دولت و حکومت مطلوب آرمانی از نظر هر دو اندیشمند؛ آیت الله نائینی(ره) و امام خمینی علیه السلام مشترک بوده و دولت مطلوب مقدرشان از یکدیگر متمایز هستند. حکومت پیامبر صلی الله علیه و آله، امامام معصوم و در زمان غیبت، فقیه جامع شرایط است که این همان دولت مطلوب آرمانی آیت الله نائینی و امام خمینی است. لکن دولت مطلوب مقدر آیت الله نائینی، دولت مشروطه و دولت مطلوب مقدر امام خمینی علیه السلام، دولت جمهوری اسلامی است.

ساختار (سامانه) دولت مطلوب مقدر آیت الله نائینی

۱. ضرورت تشکیل دولت

۱- ۱. دلیل عقلی؛ ضرورت نظم

از دیدگاه آیت الله نائینی، اصل اولی این است که اگر امور جهان به حال خود رها شوند به سمت بی‌نظمی و آشفتگی میل می‌کنند و نظم آن‌ها بر اساس سلطنت و سیاست و تدبیر است. هیچ ملتی اختلال در نظام معاش را نمی‌پذیرد و در مقابل، سامان یافتن حیات اجتماعی را لازم می‌داند، پس حکومت امری ضروری است، زیرا حکومت لازمه‌ی سامان یافتن حیات بشر می‌باشد:

«بدان که این معنی نزد جمیع امم مسلم [است] و تمام عقلای عالم بر آن متفق‌اند که چنانچه استقامت نظام عالم و تعیش نوع بشر متوقف به سلطنت و سیاستی است، خواه قائم به شخصی واحد باشد یا به هیئت جمعیه و چه آن که تصدی آن به حق باشد یا به اغتصاب، به قهر باشد یا به وراثت یا به انتخاب...» (حیدری، ۱۳۸۶، صص ۸۵-۸۶؛ نائینی، ۱۳۶۱ص ۶)

۱-۲. دلیل نقلی؛ حفظ بیضه اسلام

نائینی می‌گوید: شارع مقدس به هیچ روی به اختلال نظام و از بین رفتن مملکت اسلامی به وسیله‌ی بیگانگان رضایت نمی‌دهد؛ و لازمه این دو امر، وجود حکومت است. حکومت مقدمه‌ی واجب است و مقدمه واجب نیز واجب می‌باشد. بدین سان مسئله ضرورت حکومت در رأس همه امور قرار می‌گیرد.

۲. عناصر و نهادهای دولت مطلوب مقدر آیت الله نائینی

عناصر و نهادهای نظام مشروطه را سلطان و سلطنت، نهاد قضاوت و مجلس شورای ملی تشکیل می‌دهند. نائینی معتقد است در عمل امکان این که امام معصوم یا فقیه جامع الشرایط حاکم باشد وجود ندارد و از طرفی وظایف مربوط به حکومت تعطیل بردار نیست، پس حاکم می‌تواند غیر معصوم و غیر فقیه هم باشد. (حیدری بهنوئی، ۱۳۸۶ ص ۱۱۷)

۱-۲. سلطان و سلطنت

همه نظریه‌های فقهی درباره مشروطه، از تعریف و تقسیم انواع سلطنت آغاز و بر تحدید اختیارات سلطان بر پایه شورا و قانون تأکید می‌کنند. «علمای مشروطه ضمن قبول غصبی بودن اصل حکومت در عصر غیبت، معتقد بودند با مشروطه کردن حکومت و محدود کردن قدرت سلاطین تا حدودی از غصب زائد حکومت کاسته خواهد شد». (کدیور، ۱۳۷۹ ص ۳۱۵)

۲-۲. نهاد قضاوت

نائینی، منصب قضا و افتا را منحصرأً وظیفه عالمان شریعت می‌بیند و می‌نویسد:

«در ثبوت منصب قضا و افتا برای فقیه عصر غیبت تردیدی نیست و اشکالی وجود ندارد. همچنین توابع قضاوت نیز مانند اخذ مدعی به از محکوم علیه، حبس غریم مماطل و تصرف در بعضی امور حسبیه از اختیارات فقیه است... نائینی تمام قوه قضائیه

را در انحصار فقیهان شیعه قرار می‌دهد؛ «فالمتیقن هو الرجوع الی الفقیه فی الفتوی و فصل الخصومه بتوابعها» (فیرحی، ۱۳۸۲، ص ۲۱۷)

۲-۳. مجلس شورای ملی

نظریه‌های مشروطه اسلامی، مجلس شورای ملی را یکی از عناصر اصلی و از ارکان نظام سیاسی اسلامی تلقی می‌کنند. از دیدگاه نائینی، نمایندگان مجلس باید در فن سیاست و حقوق مجتهد باشند و از طمع و غرض دوری گزینند و نسبت به دین و دولت و وطن اسلامی خیرخواه باشند. (حیدری بهنوئی، ۱۳۸۶، ص ۱۱۴)

«غایت آنچه به حسب قوه بشریه جامع این جهات و اقامه‌اش با اطراد و رسمیت بجای آن قوه عاصمه عصمت و حتی با مغضوبیت مقام هم ممکن و مجازی از آن حقیقت و سایه و صورتی از آن معنی و قامت تواند بود، موقوف بر دو امر است: (۱) تدوین قانون اساسی... (۲) تشکیل شورای ملی» (نائینی، ۱۳۶۱، صص ۱۳-۱۵)

۲-۴. قانون اساسی

نائینی قانون راه برای حفظ نظام لازم می‌داند؛ «نائینی با رد این مغلطه که جعل قانون و تدوین قانون در کشور اسلامی، بدعت و در مقابل شریعت دکان باز کردن است و التزام به آن هم چون بدون وجه شرعی است، بدعتی دیگر است، نظر به حفظ نظام و صیانت اساس محدودیت و مسوولیت سلطنت غاصبه بر آن، وجود قانون را ضروری می‌دانست». (کدیور، ۱۳۷۹، ص ۲۹۵)

۳. مرزهای قدرت در دولت مطلوب مقدر آیت الله نائینی

در اندیشه سیاسی سنتی اصطلاحاتی چون دارالحرب، دارالاسلام، دارالصلح و... مفهوم خاصی را تبیین می‌کرد؛ بدین معنا که در گذشته مرزهای عقیدتی حاکم بود و هر کس که مسلمان بود، در چارچوب دارالاسلام و یک شهروند به حساب می‌آمد. اما پس از شکل‌گیری دولت - ملت‌ها در عصر جدید، مرزهای عقیدتی جای خود را به مرزهای ملی

سپرد.

نائینی مرز سیاسی و دولت مستقل را پذیرفته است. با توجه به آثار آیت الله نائینی ایشان به تعدد مرزهای سیاسی و دولت‌های مستقل اسلامی معتقد بودند.

۴. شبکه‌های قدرت در دولت مطلوب مقدور آیت الله نائینی

در بحث شبکه قدرت، مباحثی از قبیل جایگاه زنان و اقلیت دینی تبیین می‌شود.

۴-۱. اقلیت‌های دینی

آیت الله نائینی به اعتبار ملیت، اقلیت‌های غیر مسلمان را در وکالت مجلس شورای ملی و مشارکت در قانون‌گذاری سهیم می‌کند. آیت الله نائینی بر لزوم حضور اقلیت‌های دینی در انتخابات و عضویت مجلس شورای ملی تأکید دارد و مشارکت سیاسی آنان را بر اصل «شورایی» بودن نظام اسلامی استوار می‌سازند.

۴-۲. جایگاه زنان

دستاورد مهم و تاریخی زنان در جنبش ملی مشروطیت، ایجاد انجمن‌ها و سازمان‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی زنان و متعاقباً تأسیس و گسترش مدارس زنانه، فعالیت‌های مطبوعاتی، انتشار مجلات مشاهده می‌شود، تا بدین ترتیب اولین پایه‌های جنبش اجتماعی زنان برای دستیابی به حقوق برابر پایه‌ریزی شود.

کارکردهای دولت مطلوب مقدور آیت الله نائینی

مفهوم کارکرد یا کارویژه ناظر به وظایف و نقشی است که فعالیت هر جزء یا بخشی خاص از کل دولت مطلوب آیت الله نائینی (مجموع سه قوا و کل نظام سیاسی) ایفا می‌کند.

۱. نهاد شورا و مرکز تصمیم‌گیری در دولت مطلوب مقدورآیت الله نائینی

منظور این است که چه افراد یا نهادی، مسائل و راه‌حل‌های سیاسی جامعه را تحلیل و تشخیص می‌دهند و تصمیم‌های لازم الاجرا را اتخاذ می‌کنند. فیرحی می‌نویسد:

«نظریه‌های مشروطه شیعه بیشتر بر نهاد شورا و مجلس شورای ملی تأکید می‌کنند، اما این تأکید هرگز به معنای تأیید حاکمیت مطلق مردم نیست. در این نظریه‌ها، به اعتبار التزام جامعه به شریعت اسلامی و ضرورت عدم مخالفت قوانین مجلس با شریعت از یک سوی، و جایگاه و مسئولیت عالمان دینی در مذهب شیعه از سوی دیگر، مجلس شورای ملی و روند قانون‌گذاری ماهیت منحصر به فردی دارد». (فیرحی، ۱۳۸۲، ص ۲۳۰؛ نائینی، ۱۳۶۱، ص ۵۳)

۲. دامنه قدرت یا حدود قلمرو و اختیارات دولت مطلوب مقدورآیت الله نائینی

آیا دامنه قدرت دولت محدود به حوزه عمومی است یا قلمرو زندگی خصوصی افراد را نیز شامل می‌شود؟

به طور کل، نظریه‌های مشروطه شیعه، همانند هر نظریه دیگر اسلامی، بر بنیاد شریعت استوارند و چون شریعت اسلام همه شئون عمومی و خصوصی زندگی انسان را در بر می‌گیرد، دامنه قدرت در این دسته از نظریه‌های شیعی نیز نمی‌تواند به حوزه عمومی محدود شود. با این حال اختیارات دولت چندان هم گسترده نیست و اندیشه‌های مشروط شیعه تا حد بسیار زیادی گرایش‌های اقتدارگریز دارند. به طور کلی، قدرت دولت فقط محدود به حوزه عمومی است و احکام حوزه خصوصی زندگانی را شریعت تعیین می‌کند نه دولت. (فیرحی، ۱۳۸۲، صص ۲۳۲-۲۳۴)

۳. جریان قدرت در دولت مطلوب مقدور آیت الله نائینی

منظور از جریان قدرت یا روابط قدرت در اندیشه‌های مشروط شیعه، چگونگی گذر اطلاعات، قدرت، تصمیمات، امر و نهی‌ها، فرمان‌ها و دستورات از شبکه‌های مختلف نظام سیاسی در این نظریه‌هاست. جریان قدرت در نظریه‌های مشروطه شیعه نیز، همانند نظریه‌های جدید اهل سنت، هرگز از بالا به پایین، بسته و اقتداری نیست، بلکه بیشتر خصلت مردم‌سالارانه دارد. به نظر نائینی، دولت مشروطه «بر آزادی رقاب ملت از این اسارت و رقیب منحوسه‌ی ملعونه [سلطنت مطلقه] و مشارکت و مساواتشان با همدیگر و با شخص سلطان در جمیع نوعیات مملکت^{۱۰} از مالیه و غیرها^{۱۱} مبتنی است و حق محاسبه و مراقبت داشتن ملت و مسئولیت متصدیان هم از فروع این دو اصل است. (همان، ۱۳۸۲، ص ۲۳۴)

اندیشه مشروطه آیت الله نائینی در حقیقت ناظر به نوعی حاکمیت مستقیم مردم است زیرا مجلس شورای ملی یا مجلس قانون‌گذاری، وکیل مسلمانان و دیگر اقلیت‌های دینی می‌باشد که نشان دهنده جریان مردم‌سالاری و قدرت از پایین به بالا بوده و نوعی از نظام تفکیک قوا را می‌پذیرد.

۳- ۱. مجلس، احزاب و رسانه‌ها

در نظریه آیت الله نائینی مجلس، نهادی نظارتی است که بر نهاد غاصب - یعنی بر شاه و دولت - نظارت دارد. وی هر چند معتقد بود که باید یک رهبر فقیه در زمان غیبت در رأس حکومت باشد اما این بایسته را امری مقدور نمی‌دانست و لذا وی و معاصرانش بیشتر تلاش می‌کردند تا از طریق کمک به ورود فقها به مجلس بر عملکرد آن و بر تصویب قوانین نظارت داشته باشند.

۴. باز خورد در دولت مطلوب مقدور آیت الله نائینی

مباحثی از قبیل حق نظارت مردم بر حکومت، امر به معروف و نهی از منکر حاکمان توسط مردم، پاسخ گو بودن حکومت، حق اعتراض، انتقاد، راهپیمایی و قیام و انقلاب در این جا مطرح می شود.

در خصوص اعتراض مردم نسبت به حکومت «علامه نائینی در توضیح خود پیرامون حکومت مشروطه، ضمن تاکید بر اظهارات سایر علمای مشروطه خواه، بر یک نکته جدید نیز تاکید دارد و آن امکان اعتراض و سوال مردم از حکومت و ایمن بودن آنها از پیامدهای بعدی آن است». (کدیور، ۱۳۷۹، ص ۳۱۷)

ساختار (سامانه) دولت مطلوب مقدور امام خمینی (ره)

۱. ضرورت تشکیل دولت

امام خمینی ضرورت حکومت اسلامی را این گونه خلاصه کردند: «بسط عدالت، تعلیم و تربیت، حفظ نظم، رفع ظلم، حفاظت از مرزها و جلوگیری از تجاوز بیگانگان».

۱- ۱. دلایل عقلی

۱- ۱- ۱. لزوم مؤسسات اجرایی یا ضرورت اجرای قانون در جامعه

امام خمینی در این زمینه فرموده اند:

«در همه کشورهای عالم و همیشه این طور است که قانون گذاری به تنهایی فایده ندارد. قانون گذاری به تنهایی سعادت بشر را تأمین نمی کند. پس از تشریح قانون، بایستی قوه مجریه ای به وجود آید.» (امام خمینی، ۱۳۶۸، صص ۲۵-۲۶)

۱- ۱- ۲. جلوگیری از هرج و مرج و حفظ نظام جامعه

امام خمینی نبود حکومت در جامعه را مساوی با هرج و مرج در جامعه دانسته در حالی که حفظ جامعه و نفی هرج و مرج واجب بوده و رسیدن به این مطلوب، جز از طریق تشکیل حکومت ممکن نیست. همچنان که می‌فرماید:

«با توجه به این که حفظ نظام از واجبات مورد تأکید شرایع الهی است و بی‌نظمی و پریشانی امور مسلمانان امری نکوهیده و ناپسند است و پرواضح است که حفظ نظام و سد طریق اختلال، جز به استقرار حکومت و وجود حاکم در جامعه تحقق نمی‌پذیرد، لذا هیچ تردیدی در لزوم اقامه حکومت باقی نمی‌ماند». (همان، ص ۷۱)

۱- ۱- ۳. رسیدن جامعه به اصلاح و سعادت و تعلیم و تربیت افراد جامعه

امام خمینی معتقد است به این که اگر جامعه می‌خواهد اصلاح بشود و به سعادت برسد تنها وجود قوانین کفایت نمی‌کند بلکه حکومت نیز باید در جامعه وجود داشته باشد.

«مجموعه قانون برای اصلاح جامعه کافی نیست برای این که قانون مایه اصلاح و سعادت بشر شود به قوه اجرائیه و مجری احتیاج داریم». (همان، ص ۲۵)

۱- ۱- ۴. ضرورت وحدت و رهایی از سلطه استعمارگران

امام خمینی معتقد است به این که اگر امت اسلام می‌خواهد وحدت داشته باشد باید حکومت تشکیل دهد همچنان که می‌فرماید:

«ما برای این که وحدت امت اسلام را تأمین کنیم و برای این که وطن اسلام را از تصرف و نفوذ استعمارگران و دولت‌های دست‌نشانده آنها خارج و آزاد کنیم، راهی نداریم جز این که تشکیل حکومت بدهیم... تشکیل حکومت برای حفظ نظام و وحدت مسلمین است چنان که حضرت زهرا در خطبه خود می‌فرماید که امامت برای حفظ نظام و تبدیل افتراق مسلمین به اتحاد است.» (همان، ص ۳۶)

۱- ۱- ۵. ضرورت استمرار اجرای احکام

احکامی که توسط پیامبر اسلام ﷺ مطرح شده است؛ منحصر به زمان ایشان نمی‌باشد، بلکه پس از ایشان نیز برای افراد جامعه، لازم الاجرا می‌باشد. با توجه به

ضرورت ابدی اجرای احکام، تشکیل حکومت نیز ضرورت می‌یابد. امام خمینی در این باره می‌فرماید:

«بدیهی است ضرورت اجرای احکام، که تشکیل حکومت رسول اکرم صلی الله علیه و آله را لازم آورده، منحصر و محدود به زمان آن حضرت نیست؛ و پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله نیز ادامه دارد. طبق آیه شریفه، احکام اسلام محدود به زمان و مکانی نیست و تا ابد باقی و لازم الاجرا است». (همان، صص ۲۶-۲۷)

۱-۲. دلایل نقلی

۱-۲-۱. سنت و سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

امام خمینی معتقد است که تشکیل حکومت توسط نبی اکرم صلی الله علیه و آله و اجرای قوانین توسط حضرت و همچنین تعیین حاکم برای بعد از خودش، دلیل محکمی برای ضرورت حکومت در همه اعصار است.

۱-۲-۲. رویه امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام

«پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله، هیچ یک از مسلمانان در این معنا که حکومت لازم است تردید نداشت. هیچ کس نگفت حکومت لازم نداریم. چنین حرفی از هیچ کس شنیده نشد. در ضرورت تشکیل حکومت همه اتفاق نظر داشتند. اختلاف فقط در کسی بود که عهده‌دار این امر شود و رئیس دولت باشد.» (همان، صص ۲۸)

۱-۲-۳. ماهیت و کیفیت قوانین اسلام

«دلیل دیگر بر لزوم تشکیل حکومت، ماهیت و کیفیت قوانین اسلام (احکام شرع) است. ماهیت و کیفیت این قوانین می‌رساند که برای تکوین یک دولت و برای اداره سیاسی و اقتصادی و فرهنگی جامعه تشریح گشته است: اولاً، احکام شرع حاوی قوانین و مقررات متنوعی است که یک نظام کلی اجتماعی را می‌رساند.

ثانیاً، با دقت در ماهیت و کیفیت احکام شرع درمی‌یابیم که اجرای آن‌ها و عمل به آن‌ها مستلزم تشکیل حکومت است؛ و بدون تأسیس یک دستگاه عظیم و پهناور اجرا و اداره نمی‌توان به وظیفه اجرای احکام الهی عمل کرد.» (همان، صص ۲۸-۳۰)

۱-۲-۴. لزوم حکومت از نظر اخبار

امام خمینی ضرورت تشکیل دولت و حکومت را امری بدیهی و مطابق با ضرورت عقل و ضرورت احکام اسلام و رویه رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و حضرت امیرالمؤمنین و مفاد آیات و روایات می‌داند و به عنوان نمونه روایتی موثق و مستند از فضل بن شاذان نیشابوری از امام رضا نقل و به آن استناد می‌کند. (امام خمینی، ولایت فقیه، صص ۳۸-۴۱)

۲. عناصر و نهادهای دولت مطلوب مقدر امام خمینی

معمولاً هر نظام سیاسی از دو دسته عناصر اصلی و اقتضایی تشکیل می‌شود. در اندیشه سیاسی امام خمینی عنصر رهبری از عناصر اصلی و دیگر عناصر، اقتضایی است.

۲-۱. ولایت فقیه

امام خمینی ولایت فقیه را رکن اصلی نظام شیعه در دوره‌ی غیبت می‌داند. ولایت فقیه اساس نظم سیاسی دوه غیبت در دستگاه فکری امام خمینی است. به نظر ایشان

«در عصر غیبت ولی امر و سلطان عصر نایبان آن حضرت ° که فقیهان جامع الشرایط برای فتوا و قضاوت‌اند ° جانشین آن حضرت در اجرای سیاسات و مسائل حکومتی و سایر امور مربوط به امام معصوم (به جز جهاد ابتدایی) هستند.» (فیرحی، ۱۳۸۲، ص ۲۴۳)

آیت الله جوادی آملی می‌فرماید:

«اوج این تطور فکری توسط سیدنا الاستاد حضرت امام خمینی صورت پذیرفت، ایشان کاری که در محور فقه انجام داده‌اند، این بود که دست «ولایت فقیه» را که تا آن زمان مظلوم واقع شده بود و در محدوده مسایل فرعی محبوس بوده، گرفتند و از قلمرو فقه بیرون آوردند و در جایگاه اصلی خود یعنی علم کلام نشاندهند و سپس این مسأله را با براهین عقلی و کلامی شکوفا ساختند.» (جوادی آملی، ۱۳۷۹، ص ۲۷۷)

امام خمینی ولایت فقیه را ولایت رسول الله می‌دانند:

«...ولایت فقیه چیزی است که خدای تبارک و تعالی درست کرده است. همان ولایت رسول الله هست...» (صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۳۰۸).

ولایت فقیه در اندیشه امام خمینی نیابت عام امام معصوم است که مشروعیت و اسلامی بودن نظام سیاسی دوره غیبت مبتنی بر آن است. به همین دلیل، اصل پنجم قانون اساسی تأکید می‌کند:

«در زمان غیبت حضرت ولی عصر در جمهوری اسلامی ایران، ولایت امر و امامت امت بر عهده فقیه عادل و با تقوی، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبر است که طبق اصل یکصد و هفتم عهده‌دار آن می‌گردد.» (فیرحی، ۱۳۸۲، ص ۲۴۹)

۲-۲. رئیس جمهور و ریاست جمهوری

نهاد ریاست جمهوری، عالی‌ترین نماد مردم‌سالاری اسلامی در نظریه امام خمینی تلقی می‌شود. امام خمینی همواره به دو ویژگی کلی حکومت مطلوب اشاره می‌کند؛ (۱) اتکای به رأی مردم و (۲) ابتنای بر قواعد و موازین اسلامی. (همان)

جمهوری بودن نظام سیاسی از اصول اندیشه سیاسی امام و قانون اساسی است و نهاد ریاست جمهوری مهم‌ترین نماد این اصل است.

۲-۳. مجلس شورای اسلامی

امام خمینی مجلس را «بالاترین مقام در مملکت» و «عصاره‌ی زحمت‌های طاقت‌فرسای این ملت مسلمان [ایران]» می‌داند. به نظر امام خمینی «این مجلس است که اساس یک کشور را به صلاح می‌کشد یا اساس یک مجلس [کشور] را رو به فساد می‌برد». امام خمینی با بیان این که مجلس شورای اسلامی، «در رأس تمام نهادهای نظام جمهوری اسلامی است» دو ویژگی اسلامی بودن و ملی بودن را برای مجلس مهم تلقی می‌کند. (همان، ص ۲۴۲)

۲-۴. قوه قضائیه

هر چند قلمرو «سیاست» در میان فقهای شیعه منشأ اختلافات بوده، لکن در امر «قضا» اتفاق نظر بیشتری دارند. در اندیشه امام خمینی «این که منصب قضاوت متعلق به

فقه‌های عادل است، محل اشکال نیست و تقریباً از واضحات است» امام خمینیدر ذیل روایت «عمر بن حنظله» از امام صادق علیه السلام می‌نویسد:

«جای تردید نیست که امام فقها را برای حکومت و قضاوت تعیین فرموده است، بر عموم مسلمانان لازم است که از این فرمان امام اطاعت نمایند».(امام خمینی، ولایت فقیه (حکومت اسلامی)، ص ۹۲)

۳. مرزهای قدرت در دولت مطلوب مقذور امام خمینی

امام خمینی حفظ و نگهداری «ثغور» و مرزهای کشورهای اسلامی را از غلبه دشمنان و تجاوزگران یک واجب عقلی و شرعی دانسته و تشکیل حکومت را نیز برای حفظ و مراقبت از مرزهای اسلامی لازم می‌داند. (امام خمینی، البیع، ج ۲، ص ۶۱۹)

۴. شبکه‌های قدرت در دولت مطلوب مقذور امام خمینی

شبکه قدرت در دولت مطلوب امام خمینی تا حدودی شبیه دولت مشروطه آیت الله نائینی است ولیکن فرق‌هایی با هم دارند؛ زیرا اولاً در جمهوری اسلامی با توجه به این که مبتنی بر اندیشه ولایت عام و مطلق فقیه است، در سطح رهبری و ریاست برخی نهادهای اصلی مثل قوه قضائیه، شرط اجتهاد لحاظ بوده و از این حیث محدودیت‌ها و خصایص ویژه‌ای در شبکه قدرت لحاظ می‌کند.

ثانیاً در خصوص قلمرو فعالیت سیاسی^۱ اجتماعی زنان، در انقلاب اسلامی پیشرفت‌های محسوسی صورت گرفت.

۴-۱. اقلیت‌های دینی

امام خمینی احترام به اقلیت‌های دینی و در نظر گرفتن حقوق آن‌ها را رویکرد اسلام دانسته و مثال زن یهودی (ذمی) که خلخال او را می‌برند و حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام آن چنان آشفته می‌شود را بیان می‌کند و معتقد است اقلیت‌های مذهبی در پناه حکومت اسلامی هستند.

امام خمینی در پاسخ به یکی از خبرنگاران که اهل سنت را جزء اقلیت‌ها در جمهوری اسلامی تعریف کرده بود تأکید می‌کند که «برادران اهل سنت هرگز از اقلیت‌های مذهبی نیستند».

۴-۲. جایگاه زنان

در خصوص جایگاه زنان در دولت امام خمینی، جایگاه سیاسی، اجتماعی و... زنان دچار دگرگونی و تحولات مهمی شده است. در اندیشه امام خمینیزن مسلمان نه تنها قادر به اجرای نقش سیاسی و فرهنگی در جامعه اسلامی است بلکه به خوبی می‌تواند در عرصه‌های اقتصادی نیز به گونه‌ای مؤثر، نقش آفرین باشد.

کارکردهای دولت مطلوب مقذور امام خمینی

۱. مرکز تصمیم‌گیری در دولت مطلوب مقذور امام خمینی

در این بخش با توجه به نوع تفسیری که از رابطه ولایت فقیه و حاکمیت و رأی مردم وجود دارد، بحث مشروعیت و مقبولیت، انتخاب یا انتصاب و جایگاه و نقش مردم در حکومت اسلامی در این جا مطرح می‌شود. فیرحی در این زمینه بیان می‌دارد:

«نظریه‌های مشروعیت الهی، مشروعیت مردمی و مشروعیت دوگانه (الهی ° مردمی)، نظریه‌های سه‌گانه‌ای هستند که در تفسیر اندیشه‌های امام و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران شکل گرفته‌اند و البته همه این سه نظریه بر جایگاه ولایت فقیه در نظام جمهوری اسلامی نظر دارند» (فیرحی، ۱۳۸۲، صص ۲۷۴-۲۷۵)

۱-۱. نظریه‌ی انتصاب (مشروعیت الهی):

طبق نظریه انتصاب (نصب فقیه حاکم)، ولایت فقیه مهم‌ترین نهاد تصمیم‌گیری در جمهوری اسلامی تلقی می‌شود. امام خمینی با توجه به مبنای دینی حکومت و این که حکومت ابزاری است جهت اجرای قوانین الهی در روی زمین و در واقع حکومت جلوهای

است از حاکمیت الهی در بسیاری از بیانات خویش به مشروعیت الهی حکومت تأکید دارد. (جمشیدی، ۱۳۸۵، ص ۶۳۷)

آیت الله محمد مهدی شمس الدین نیز طرح سیاسی شیعه را در عصر حاضر دارای دو ساختار دانسته؛ اول ساختار «ولایت عامه فقیه» و عدم التزام به نقش امت و دوم ساختار «ولایت امت بر خود» با نقش محدود فقیه. ساختار اول دو صورت دارد که در صورت اول: اثبات ولایت عامه فقیه از طرق ادله لفظیه از کتاب و سنت است و این صورت مبنای فقهی نظام جمهوری اسلامی ایران است و مبنای مشروعیت آن، نصب فقیه بر ولایت عامه از طرف امام معصوم در زمان غیبت است. (شمس الدین، ۱۳۷۵ ص ۳۸۶)

۱-۲. نظریه انتخاب (مشروعیت مردمی / مقبولیت)

مطابق نظریه انتخاب، ائمه، فقهای جامع شرایط را به مقام ولایت نصب نکرده‌اند؛ بلکه آنان را به عنوان کاندیداها و نامزدهای احراز مقام ولایت و رهبری جامعه اسلامی به مردم معرفی نموده‌اند تا این که مردم به انتخاب خود، یکی از آنان را عنوان رهبر برگزیده و به این وسیله، مقام ولایت بالفعل را به منتخب خود تفویض کنند. در این صورت، برای فقهای دیگر جایز نخواهد بود که در امر ولایت و حکومت مداخله کنند؛ چه دخالت در امور جزئی و چه دخالت در امور کلی، مگر با اجازه فقیه حاکم و تحت نظر او. به طور خلاصه، مفاد نظریه انتخاب، مرکز تصمیم‌گیری در نظام جمهوری اسلامی را مردم دانسته است.

۱-۳. نظریه مشروعیت دوگانه (الهی ° مردمی)

این نظریه، در واقع، به نوعی مشروعیت مرکب اشاره دارد که در آن، حاکم اسلامی به نحوی دوگانه از خدا و مردم کسب اعتبار می‌کند. با توجه به اندیشه امام خمینی، ایشان هم معتقد به مشروعیت الهی بوده و نقش مردم در تحقق یافتن حکومت و مقبولیت را نیز پذیرفته است.

۲. دامنه قدرت یا حدود قلمرو و اختیارات دولت مطلوب مقدور امام خمینی

گستره اختیارات ولی فقیه چیست؟ آیا ولی فقیه فراتر از قانون اساسی است یا مقید به آن؟ و در این جا بحث حریم خصوصی و عمومی، احکام حکومتی و مفهوم ولایت مطلقه فقیه مطرح می‌باشد.

۲-۱. ولایت فقیه

امام خمینی فرمودند: «همین ولایتی که برای رسول اکرم صلی الله علیه و آله و امام علیه السلام در تشکیل حکومت و اجراء و تصدی هست، برای فقیه هم هست» (امام خمینی، ۱۳۷۶، ص ۵۷) بر این اساس ولی فقیه وظیفه دارد اجرای قوانین اسلامی را در جامعه بر عهده بگیرد، او خلیفه امام معصوم علیه السلام است و اختیارات او را در امر حکومت دارد و موظف است احکام الهی را اجرا کند. با این اندیشه است که ولی فقیه از مرجع تقلید به جانشینی معصوم علیه السلام ارتقاء یافت و وظیفه حفظ کیان اسلام را عهده‌دار شد.

۲-۲. احکام حکومتی

«احکام حکومتی، احکامی است که حکومت برای اداره کشور و جامعه صادر می‌کند و لازمه ولایت است و مصادیق آن عبارتند از:

الف) تمام مقررات و احکامی که در کیفیت اجرای احکام اولیه و ثانویه از طرف حکومت و ولی امر مسلمین وضع می‌گردد مانند فرمان‌های جهاد یا دفاع اسلامی.

ب) مواردی که حکم الزامی و خوب و حرمت وجود ندارد (منطقه الفراغ) و از اموری است که در شرع مباح است، یا اولویت دارد، ولی مصالح جامعه اسلامی اقتضای ممنوعیت آن امر مباح یا خوب آن را دارد، مانند مقررات راهنمایی و رانندگی که امام تخلف از آن را حرام نمود.

ج) دستوری که حاکم اسلامی در صورت تزامم اجرای احکام فرعی با مصالح عمومی صادر می‌کند. (کربلایی پازوکی، ۱۳۸۳ صص ۱۴۰-۱۴۱)

۲-۳. حریم خصوصی و عمومی

حال آیا قدرت دولت، محدود به حوزه عمومی است و یا این که دامنه‌اش چنان گسترده است که حوزه خصوصی را هم شامل می‌شود؟

ظاهر بیانات امام خمینی ناظر به این امر است که حاکم اسلامی در مواردی که به حوزه خصوصی مردم مربوط می‌شود و ربطی به مصلحت عمومی ندارد، نمی‌تواند دخالت کند. در جاهایی مثل کنترل موالید و محدود کردن مالکیت خصوصی که دخالت دولت را مجاز دانسته، مستند به مصلحت عمومی است.

«البته در دوران غیبت ادله مشروعیت حکومت - چه ادله ولایت فقیه و چه ادله ولایت عمومی مومنین و خلافت آنان - به طور خاص به حوزه ولایت و اختیارات حاکم اشاره‌ای ندارد، اما مقتضای بعضی از ادله در باب ولایت فقیه و لازمه اداره حکومت در «و امرهم شوری بینهم» حوزه اختیارات را در محدوده امور عمومی ثابت می‌کند، ولی دلیلی ندارد که اگر بر فرض پیامبر و امام علیه السلام در حوزه دیگری نیز دارای شأن و اختیار هستند آن اختیارات به عصر غیبت و برای ولی غیرمعصوم نیز تسری یابد». (قاضی زاده، ۱۳۸۹ ص ۳۷۸)

۳. جریان قدرت در دولت مطلوب مقدر امام خمینی

منظور از جریان قدرت یا روابط قدرت در نظریه‌های نظام سیاسی، چگونگی عبور اطلاعات، قدرت، تصمیمات، فرمان‌ها و دستورات از شبکه‌های مختلف نظام سیاسی است. به طور کلی دو جریان عمده در تاریخ نظام‌های سیاسی وجود دارد؛ جریان اقتدارگرای قدرت که از بالا به پایین جاری می‌شود و جریان مردم سالار قدرت که از پایین به بالا

حرکت می‌کند. در این بخش مباحثی از قبیل رابطه متقابل مردم و حاکمان، احزاب، مطبوعات و رسانه‌ها، جایگاه پارلمان و انتخابات مطرح می‌شود.

امام خمینی هر چند که در متون فقهی و اولیه خود مبنای نصب و «انتصاب» را اختیار کرده‌اند، در تعبیرات متأخر خویش مشروعیت نظام و ولایت فقیه را ناشی از خواست و انتخاب مردم دانسته‌اند. لذا می‌توان نتیجه گرفت که جریان قدرت در جمهوری اسلامی وضعیت مردمی داشته، از پایین به بالا شکل می‌گیرد.

۳- ۱. احزاب:

امام خمینی، در برخی از موارد به نفی حزب و در برخی نیز به تأیید آن پرداختند. ملاک سنجش مطلوبیت و عدم مطلوبیت احزاب ناشی از ایده و کارویژه‌های آن می‌باشد:

«این طور نیست که حزب بد باشد یا هر حزبی خوب باشد؛ میزان، ایده‌ی خوب است و اگر ایده چیز دیگری باشد این حزب شیطان است، هر اسمی هم داشته باشد، بنابراین ما باید کوشش کنیم که حزب‌مان را حزب الله کنیم، خودمان را جزء حزب الله قرار دهیم.» (صحیفه امام، ج ۱۷، صص ۱۹۳-۱۹۴)

۳- ۲. مطبوعات و رسانه‌ها:

در نگاه امام خمینی مطبوعات کارکرد دوگانه‌ای دارند: هم می‌توانند در جنبه مثبت و پیشبرد استعدادهای مردم و رشد و تعالی آنها و توسعه نظام اسلامی حرکت کنند و هم این که می‌توانند در جهت منفی و به رکود و سکون و ابتذال کشیدن جامعه و خلاف مصالح عمومی حرکت کنند. مطبوعات آزاد و مستقل از نظام سیاسی به واقع زبان گویایی هستند که خواسته‌ها، مطالبات، انتقادات و اعتراض‌های مردم را به گونه‌ای شفاف در معرض دید مسئولین نظام قرار می‌دهند. امام خمینینیز به مطبوعات آزاد معتقد است: «مملکت متمدن آن است که آزاد باشد، مطبوعاتش آزاد باشد، مردم آزاد باشد در اظهار عقاید و رأی‌شان.» (صحیفه امام، ج ۵، ص ۳۳)

۳-۳. جایگاه پارلمان و مجلس

امام خمینی شرکت در انتخابات را «نشانه عدم رویگردانی مردم از اسلام» می‌داند. مجلس از منظر ایشان باید حداقل دارای دو ویژگی باشد: ۱) مجلس باید نماینده ملت باشد. ۲) قوانین مصوب مجلس شورا نباید با قوانین اسلامی مغایرت داشته باشد. امام خمینی در بسیاری از سخنرانی‌ها به این دو امر اشاره داشتند.

۳-۴. انتخابات

انتخابات تجلی حضور و مشارکت سیاسی مردم و عرصه تحقق اراده ملت برای تعیین سرنوشت خویش است از این رو انتخابات دارای اهمیت و جایگاه بلندی است و مردم نقش بزرگی در ایفای این رسالت و تکلیف بزرگ بر دوش خواهند داشت. امام خمینی درباره اهمیت حضور و شرکت مردم در انتخابات می‌فرماید:

«این وظیفه‌ای است الهی، وظیفه‌ای است ملی، وظیفه‌ای است انسانی، وظیفه‌ای است که ما باید به آن عمل کنیم، همه‌مان باید در انتخابات شرکت بکنیم.» (صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۳۸۱)

۴. باز خورد در دولت مطلوب مقدر امام خمینی

مباحثی از قبیل حق نظارت مردم بر حکومت، امر به معروف و نهی از منکر حاکمان توسط مردم، پاسخ‌گو بودن حکومت، حق اعتراض، انتقاد، راهپیمایی و قیام و انقلاب در این جا مطرح می‌شود.

۴-۱. نظارت مردم بر حکومت:

در حکومت اسلامی، مردم با چشمانی بینا و گوش‌های شنوا، تمام اعمال و رفتار و گفتار مسئولین را زیر نظر دارند و با نظارت بر زمامداران و با نقد اعمال و برنامه‌های دولت، جلوی انحراف‌ها را می‌گیرند.

۴-۲. امر به معروف و نهی از منکر:

«مرحله پس از نصیحت و انتقاد، مرحله اعتراض است. اعتراض غالباً با امر و نهی همراه است و به نظر می‌رسد فریضه مهم امر به معروف و نهی از منکر همان اعتراض در جهت تصحیح رفتارها است... آیات متعددی از قرآن به فریضه امر به معروف و نهی از منکر دلالت دارد. در بعضی از آیات تمام امت اسلامی به انجام این فریضه موظف هستند...» (قاضی زاده، ۱۳۸۹ ص ۴۳۵)

۴-۳. انتقاد:

امام خمینی با این که نقد را در مسائل سیاسی و اجتماعی امری ضروری و لازم می‌شود و از آن به عنوان عامل رشد و پیشرفت یاد می‌کند، لکن همواره تأکید داشت که انتقاد باید سالم باشد نه انتقام‌گیری.

«...انتقاد غیر انتقام‌جویی است. انتقاد، انتقاد صحیح باید بشود. هر کس از هر کس می‌تواند انتقاد صحیح بکند. اما اگر قلم که دستش گرفت انتقاد کند برای انتقام‌جویی، این همان قلم شیطان است...» (صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۲۰۵)

مقایسه دیدگاه امام خمینی و آیت الله نائینی

۱. اشتراکات

امام خمینی و آیت الله نائینی معتقد هستند که دین از سیاست جدا نیست و تفکیک نمی‌پذیرد. با توجه به مباحثی که در بحث ضرورت تشکیل دولت طبق دیدگاه نائینی و امام خمینی بیان شد در اصل ضرورت حکومت با یکدیگر هم نظر می‌باشند.

در خصوص عناصر و نهادهای دولت مطلوب به اشتراکاتی همانند مجلس و نهاد قضاوت یا قوه قضائیه می‌رسیم. در خصوص سلطان و سلطنت ذکر این نکته ضروری

است که از نقاط مشترک اندیشه سیاسی نائینی و امام خمینی، نفی کامل نظام پادشاهی مبتنی بر استبداد می‌باشد.

از منظر این دو اندیشمند، گرچه مجلس از ارکان نظام اسلامی است؛ اما اگر روزی در دست عناصر بی‌هویت یا دنیا طلب و فریفته قرار گیرد، سبب از بین رفتن امنیت و استقلال جامعه خواهد شد و به مرور زمان بستر ساز استبدادی خطرناک‌تر از استبداد فردی می‌شود.

نهاد قضاوت و «قاضی» که مخصوص «قضا و افتا» بوده بنابر نظریه آیت الله نائینی(ره) منحصرأً وظیفه عالمان شریعت است (فقیهان شیعه)، در اندیشه امام خمینی نیز این که قضاوت متعلق به فقهای عادل است، تقریباً از واضحات است.

در خصوص بحث مرزهای قدرت یا همان مرزهای نظام سیاسی باید گفت در اندیشه سیاسی سنتی اصطلاحاتی چون دارالحرب، دارالسلام، دارالصلح و... مفهوم خاصی داشت؛ بدین معنا که در گذشته مرزهای ملی به مفهوم امروزی وجود نداشت. اما پس از شکل‌گیری دولت - ملت‌ها در عصر جدید، مرزهای عقیدتی جای خود را به مرزهای ملی سپرد. هم نائینی و هم امام خمینی بحث ملیت و مرزهای ملی را در نظریه خود پذیرفته‌اند اما این به معنای اعتقاد آنان به حقانیت آن نیست بلکه از آنجا که این امر در دنیای جدید به یک واقعیت خارجی تبدیل شده و نوعی پذیرش عمومی یافته است، آنان نیز آن را پذیرفته‌اند و گرنه امام خمینی بارها پیشنهاد می‌کرد که مسلمانان به سوی اتحاد جماهیر اسلامی حرکت کنند؛ یعنی می‌توان ضمن تشکیل دولتهای ملی در درون مرزهای کشورهای اسلامی، از مجموع آنها اتحادیه‌ای تأسیس نمود.

در بحث شبکه قدرت که شامل مباحثی چون اقلیت‌های دینی و جایگاه زنان می‌باشد اشتراکات فراوانی در خصوص اقلیت‌های دینی به اعتبار ملیت‌شان، و ورود آنها در عرصه انتخابات مجلس و مشارکت در قانون‌گذاری وجود دارد لکن در بحث جایگاه زنان اگر چه

انقلاب مشروطه سر منشاء تحولات بزرگی در وضعیت و گرایشات زنان ایران محسوب می‌شود لکن اشتراک چندانی بین دیدگاه این دو اندیشمند در خصوص زنان وجود ندارد و معمولاً آیت الله نائینی در مباحث خود اشاره‌ای به جنسیت ندارد.

از اشتراکات کارکرد دولت مطلوب می‌توان به مرکز تصمیم‌گیری یا نهاد شورا اشاره نمود. مردم در این تصمیم‌گیری نقش مهمی را ایفاء می‌کنند و حق دارند کسانی را به عنوان وکیل و نماینده خود انتخاب کنند.

در خصوص حدود قلمرو و اختیارات دولت، اگر چه شریعت اسلام همه شئون عمومی و خصوصی زندگی انسان را در بر می‌گیرد، با این حال اختیارات دولت، محدود به حوزه عمومی است و جاهایی که دولت در حوزه خصوصی دخالت کرده، مستند به مصلحت عمومی است.

جریان قدرت در دولت مطلوب مدنظر هر دو اندیشمند، بیشتر خصلت مردم سالارانه دارد لذا قدرت از پایین به بالا می‌باشد. نائینی و امام خمینی نظام تفکیک قوا را پذیرفته که نشان دهنده جریان مردم سالاری و قدرت از پایین به بالا بوده و امام خمینی نیز در تعبیرات متأخر خویش، مشروعیت نظام و ولایت فقیه را ناشی از خواست و انتخاب مردم دانسته‌اند.

۲. افتراقات

۱-۲. ضرورت تشکیل دولت

در آثار امام خمینی از جمله ولایت فقیه به دلایل عقلی و نقلی زیادی اشاره شده و لذا مباحثی که امام خمینی مطرح کردند بسیار مفصل‌تر از بحث‌های آیت الله نائینی است.

۲-۲. عناصر و نهادهای دولت

از نظر شکل دولت مطلوب مقدور آیت الله نائینی که مبتنی بر شرایط زمانی و مکانی است با امام خمینی تفاوت‌هایی وجود دارد. در چنین وضعیتی است که سلطان و سلطنت یا مجلس شورای ملی معنی پیدا می‌کند ولی در دولت جمهوری اسلامی امام خمینی، ولی فقیه در رأس قرار دارد که مأذون از طرف معصوم علیه السلام است.

۲-۳. مرزهای قدرت در دولت

در دولت نائینی نیز مفهوم مرزهای ملی نمود بیشتری داشته و بیشتر مرز سیاسی و دولت مستقل مطرح است. امام خمینی مرزهای ملی یا جغرافیایی را به رسمیت شناخته و حفظ و نگهداری آن را برای دولت و حکومت لازم می‌داند اما در بیانات مختلف نیم‌نگاهی به مرزهای عقیدتی، صدور انقلاب، ام‌القری بودن نیز دارد که باید مورد تفسیر و ارزیابی دقیق قرار گیرد.

۲-۴. شبکه‌های قدرت در دولت

هر دو متفکر آیت الله نائینی و امام خمینی دیدگاه مشترکی به اقلیت‌های دینی و به خصوص انتخابات و عضویت در مجلس شورای ملی و اسلامی دارند لکن در بحث زنان، علیرغم اینکه انقلاب مشروطه تحول بزرگی در وضعیت و گرایش‌های زنان در ایران ایجاد کرد اما با توجه به شرایط زمانی و مکانی و غلبه تفکرات سنتی نسبت به زن مسلمان، در خصوص آزادی و مشارکت سیاسی زنان در عصر مشروطه تحول چندانی صورت نگرفت اما در دولت امام خمینی، جایگاه سیاسی، اجتماعی و... زنان دچار دگرگونی و تحولات مهم و اساسی قرار گرفت به ویژه مشارکت سیاسی زنان در مبارزات قبل از انقلاب و پیروزی انقلاب.

۲-۵. نهاد شورا و مرکز تصمیم‌گیری در دولت مطلوب

مرکز تصمیم‌گیری در دولت مطلوب آیت الله نائینی(ره) یعنی دولت مشروطه مبتنی بر مجلس شورای ملی و پادشاه می‌باشد. اما در دولت مطلوب امام خمینی به جای سلطان و پادشاه، ولی فقیه حاکم است که نایب امام زمان(عج) بوده و مأذون از جانب خداوند است و لذا از مشروعیت الهی برخوردار است.

۲-۶. دامنه قدرت یا حدود قلمرو دولت مطلوب

در دولت مشروطه قدرت دولت بیشتر محدود به حوزه عمومی است و احکام حوزه خصوصی زندگی را شریعت و دین اسلام تعیین می‌کند. فقیه جامع الشرائط نیز ولایت عامه (منصب قضاوت و...) دارد. اما در دولت مطلوب امام خمینی ولی فقیه در عصر غیبت، جانشین امام عصر(عج) بوده و واجد تمامی اختیارات حکومتی معصوم علیه السلام. امام خمینی در این باره معتقدند ولی فقیه، خلیفه امام معصوم علیه السلام است و اختیار او را در حکومت دارد و موظف به اجرای احکام الهی است. چون مرجع تقلید بودن ولی فقیه به جانشینی معصوم علیه السلام ارتقاء پیدا کرده لذا حوزه خصوصی زندگی مردم دچار تحوّل شده و بحث احکام حکومتی مطرح می‌شود که مبتنی بر مصلحت عمومی است.

۲-۷. جریان قدرت در دولت مطلوب

جریان قدرت در دولت مشروطه بیشتر خصلت مردم سالارانه دارد. اندیشه مشروطه آیت الله نائینی در حقیقت ناظر به نوعی حاکمیت مستقیم است زیرا مجلس شورای ملی یا مجلس قانونگذاری، نشان‌دهنده جریان مردم سالاری است. در دولت مشروطه با توجه به زمان آن، جایگاهی برای احزاب، مطبوعات و... دیده نشده و تمرکز و تأکید بر روی مجلس شورای ملی است.

در اندیشه امام خمینی و دولت جمهوری اسلامی، جریان قدرت وضعیت مردمی داشته و از پایین به بالا شکل می‌گیرد.

از تفاوت‌های این دو اندیشه، توجه امام خمینی و اهمیت ایشان به احزاب، مطبوعات و رسانه‌هاست.

۲-۸. بازخورد در دولت مطلوب

بازرترین جلوه بازخورد در دولت مشروطه آیت الله نائینی (ره)، اصل نهی از منکر است. در دولت جمهوری اسلامی مردم بر حسن اجرای قوانین اسلام و رعایت آداب اسلامی نظارت دارند. امر به معروف و نهی از منکر، نصیحت مسئولین، نظارت مستقیم و غیر مستقیم که اعمال نظارت از طریق نمایندگان برگزیده مردم در مجلس شورای اسلامی، خبرگان رهبری، شورای اسلامی و... از شیوه‌های نظارت مردم می‌باشد.

از دیگر تمایزات دولت مشروطه و دولت جمهوری اسلامی در بحث بازخورد می‌توان به نظارت از طریق احزاب و گروه‌های سیاسی، مطبوعات و رسانه‌ها و ... اشاره نمود.

فضای زمانی و مکانی را در اندیشه امام خمینی نیز باید در نظر داشت:

«اندیشه امام خمینی در برهه‌ای از زمان مبتنی بر گفتمان اصلاحی و در زمان دیگر گفتمان انقلابی است. گفتمان اصلاحی؛ اندیشه‌ها و رفتارهای مطرح در گفتمان اصلاحی با توجه به شرایط زمان و مکان و نیز امکانات و سایر شرایط و مقتضیات، پیشنهادهایی به منظور اصلاح و بهبود نسبی امور ارائه می‌دهند. اندیشه سیاسی امام خمینی و به تبع آن آسیب‌شناسی وی از نظام سیاسی پهلوی، در یک مقطع از تاریخ اندیشه ایشان، اصلاحی است.

گفتمان سیاسی انقلابی؛ این نوع اندیشه‌ها و رفتارها درصدد تغییر کامل اوضاع هستند. اندیشه سیاسی امام خمینی، از اندیشه‌های مهم انقلابی-اسلامی است که در دوره معاصر ارائه و عملی شد. اندیشه سیاسی ایشان تحولی آرام از «اندیشه‌های اصلاحی» به «اندیشه‌های انقلابی» بود. ایشان موفق شد با تشکیل جمهوری اسلامی راه

را برای آفت‌زدایی از مجموعه کشورهای اسلامی و نظام بین‌الملل باز کند». (لک زایی، ۱۳۸۵، صص ۵۷-۶۰)

«انقلاب مشروطیت نمایانگر نخستین مواجهه مستقیم بین فرهنگ سنتی اسلامی و غرب در ایران جدید است... انقلاب مشروطیت نهضتی بود که در تاریخ جدید ایران سابقه نداشت و گروه‌های وسیعی از همه جوه و طبقات اجتماعی را در بر گرفت». (عنایت، ۱۳۶۱ ص ۲۸۵)

تلاش اندیشمندان شیعی بعد از نائینی ادامه پیدا کرد تا اینکه در زمان امام خمینی به تشکیل دولت و حکومت منجر گردید. «امام خمینی جامع ویژگی‌های فوق است. هم اندیشه سیاسی وی نوعی نظریه است؛ و هم خود، این اندیشه را در مرحله عمل پیاده کرد و به «فعالیت سیاسی» پرداخت. اندیشه سیاسی امام خمینی، اندیشه‌ای سیاسی-دینی است». (لک زایی، ۱۳۸۳، ص ۳۰)

نتیجه‌گیری

این پژوهش در مقام پاسخ این فرضیه مورد بررسی قرار گرفت که آیت الله نائینی (ره) و امام خمینی دولت مطلوب آرمانی مشترک داشته و دولت مطلوب مقدورشان از یکدیگر متمایز هستند.

دولت مطلوب آرمانی هر دو اندیشمند مبتنی بر حکومت معصوم علیه السلام است لکن در دولت مطلوب مقدور با توجه به مقتضیات زمانی و مکانی هم در بخش ساختار و هم در بخش کارکردها دارای اشتراکات و افتراقاتی هستند، این دو دولت اگر چه در تفکیک قوا، مجلس، انتخابات، نقش مردم، اقلیت‌های دینی، زنان و... دارای اشتراکاتی هستند لکن «دولت مشروطه» به دنبال محدود کردن قدرت شاه و سلطان و کاستن از ظلم و ستم به مردم بود و در حقیقت دفع افسد به فاسد. اما «دولت جمهوری اسلامی» به رهبری عالم

دینی، مجتهد جامع الشرایط و نائب امام عصر(عج) شکل گرفته و ساختارها و کارکردهای ایندو علیرغم داشتن اشتراکات، تفاوت‌های بسیاری در مجلس شورای ملی و مجلس شورای اسلامی، انتخابات و نقش مردم در دولت، حضور گسترده زنان در جامعه در عرصه‌های مختلف علمی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... دارد.



فهرست منابع

۱. اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی، حکومت از دیدگاه امام خمینی، قم، چاپخانه مهر، ۱۳۷۳.
۲. امام خمینی، روح الله، ۱۳۶۸، البیع، قم، موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، جلد دوم.
۳. امام خمینی، تحریر الوسیله (ترجمه فارسی)، جلد اول.
۴. امام خمینی، صحیفه امام، بیست و یک جلدی.
۵. امام خمینی، ولایت فقیه (حکومت اسلامی).
۶. بهشتی، احمد، ۱۳۸۶، اندیشه سیاسی نائینی، قم، بوستان کتاب، چاپ دوم.
۷. جمشیدی، محمدحسین، ۱۳۸۵، اندیشه سیاسی امام خمینی، تهران، پژوهشگاه امام خمینی و انقلاب اسلامی.
۸. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۷۹، ولایت فقیه، ولایت فقاقت و عدالت، قم، نشر اسراء.
۹. حیدری بهنوئی، عباس، ۱۳۸۶، اندیشه سیاسی آیت الله نائینی، قم، بوستان کتاب.
۱۰. شمس الدین، آیت الله محمد مهدی، ۱۳۷۵، نظام حکومت و مدیریت در اسلام، ترجمه و تحشیه سید مرتضی آیت الله زاده شیرازی، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ اول.
۱۱. عنایت، حمید، ۱۳۶۱، اندیشه سیاسی در اسلام معاصر، ترجمه بهاء الدین خرمشاهی، تهران، انتشارات خوارزمی، چاپ دوم.
۱۲. فیرحی، داود، ۱۳۸۲، نظام سیاسی و دولت در اسلام، (تهران، سمت) و (قم، موسسه آموزش عالی باقرالعلوم علیه السلام).
۱۳. قاضی زاده، کاظم، ۱۳۸۹، سیاست و حکومت در قرآن، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چ چهارم.
۱۴. کدیور، جمیله، ۱۳۷۹، تحول گفتمان سیاسی شیعه در ایران، تهران، طرح نو، چاپ دوم.
۱۵. کربلایی پازوکی، علی، ۱۳۸۳، اندیشه سیاسی شیعه در عصر غیبت، قم، دفتر نشر معارف، چ اول.
۱۶. لک زایی، نجف، ۱۳۸۵، چالش سیاست دینی و نظم سلطانی با تاکید بر اندیشه و عمل سیاسی علمای شیعه در عصر صفویه، قم، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه، چاپ اول.
۱۷. لک زایی، نجف، ۱۳۸۳، سیر تطور تفکر سیاسی امام خمینی، قم، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه، چاپ اول.
۱۸. موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، امام خمینی و حکومت اسلامی فلسفه سیاسی (۲)، قم، ۱۳۷۸.
۱۹. نائینی، محمدحسین، ۱۳۶۱، تنبیه الامه و تنزیه المله، مقدمه و توضیحات سید محمود طالقانی، تهران، شرکت سهامی انتشار.

مجله:

۱. فصلنامه علمی - پژوهشی علوم سیاسی، سال دوم، چاپ دوم، ویژه یکصدمین سال میلاد امام خمینی، شماره پنجم، تابستان ۱۳۷۸.